

محدور سوم: خلف

مرحوم اصفهانی با اشاره به این محدور می نویسد که ممکن است گفته شود مقدمه موصله، سر از خلف در می آورد چراکه:

«أما محدور الخلف فهو المحدور الذي تعرّض له كل من تصدّى لدفع هذه المقالة، و ملخصه: أن إيجاب المتقيّد بقيد يقتضى إيجاب ذات المقيّد مقدّمة لايجاد المتقيّد بما هو متقيّد، و إيجاب ذات المتقيّد إيجاب ذات المقدّمة، فإيجاب المقدّمة الموصلة يقتضى إيجاب ذات المقدّمة، و هو خلف.»^۱

توضیح:

۱. اگر شارع بخواهد یک امر مقيّد به قيد را (وضو مقيّد به ايصال) واجب کند، بايد ذات مقيّد (ذات وضو) را به عنوان مقدّمه تحقق (وضو مقيّد به ايصال) واجب کند.
۲. و از طرفی ايجاب ذات مقيّد (ذات وضو)، ايجاب ذات مقدّمه (وضو) می باشد
۳. پس ايجاب مقدّمه موصله (وضو مقيّد به ايصال) لازمه اش، ايجاب ذات مقدّمه (وضو) می باشد. و اين خلف است چراکه مرحوم صاحب فصول ذات مقدّمه را واجب نمی دانست.

ما می گوئیم:

۱. منتقى الاصول اين محدور را با نکته ای اضافه تقرير کرده است:

«فلأنه إذا كانت ذات المقدمة مقدمة للمقدمة و للواجب الغيرى، ترشح عليها الوجوب قهرا. و حينئذ نقول: ان الوجوب الآخر اما ان يتعلق بذات المقدمة من دون اعتبار الإيصال، فهو خلف المدعى من اعتبار قيد الإيصال فى الواجب الغيرى و كرّ على ما فرّ منه، و اما ان يتعلق بالمقدمة الموصلة، فهو يستلزم ان تكون ذات المقدمة مقدمة للمقدمة الموصلة إلى المقدمة الموصلة، فيترشح عليها الوجوب الغيرى، و حينئذ اما ان يتعلق بها بذاتها فقط و هو خلف. أو بقيد الإيصال فيلزم ان تكون ذاتها مقدمة و

۱. نهاية الدراية فى شرح الكفاية، ج ۲، ص ۱۴۳.



هكذا يستمر هذا الكلام في الذات إلى غير نهاية.»^۱

۲. جواب منتقى الاصول به محذور خلف:

«فلان ذات المقدمة و ان كانت مقدمة للمقدمة بقيد الإيصال، باعتبار أنها جزءها، و لكنها مقدمة

داخلية، و قد تقدم أنها غير قابلة لتعلق الوجوب الغيري بها حتى بنحو التأكيد.»^۲

توضیح:

۱. ذات مقدّمه جزء مقدّمه + ایصال است و جزء دارای وجوب غیری نیست بلکه دارای وجوب ضمنی

است

۲. این که دارای وجوب ضمنی است، خُلف نیست چراکه در صورتی است که ذات مقدّمه دارای وجوب

غیری شود در حالیکه طبق این نظر ذات مقدّمه دارای وجوب ضمنی است.

۳. [ما می گوئیم: ان قلت: این وجوب، وجوب ضمنی غیری است، پس ذات مقدّمه دارای وجوب غیری

است.

قلت: خُلف در صورتی است که ذات مقدّمه به تنهایی دارای وجوب غیری شود و نه در ضمن کل.]

اشکال مرحوم حائری بر مقدمه موصله (بنابر تقریر مرحوم صاحب فصول)

مرحوم حائری در کنار اشکال های مطرح شده، اشکال دیگری را بر مبنای مقدّمه موصله وارد می کنند،

حضرت امام اشکال را چنین تقریر می کنند:

«و منها لزوم كون ذی المقدّمة مقدّمة لمقدّمته، فيتعلّق به الوجوب الغیری، بل وجوبات غیريّة بعدد

المقدّمات، بل يلزم أن يجب ذو المقدّمة الموصل إلى نفسه و لو بوسط، و هو أفحش.»^۳

۱. منتقى الأصول، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲. منتقى الأصول، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۹۴.



توضیح:

۱. اشکال: اگر ذی المقدمه، مقدمه ای شود برای پیدایش مقدمه موصله [طبق مبنایی که می گفتیم مقدمه عبارت است از «ذات مقدمه + ایصال به ذی المقدمه» و لذا ذی المقدمه داخل در مقدمه می شود]:
۲. در این صورت چون مقدمه های متعدد هستند و همه هم موصله هستند پس ذی المقدمه به تعداد مقدمات، دارای وجوب گیری می شود.

